

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۱۲ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

دوشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۳ • ۲۱ صفر ۱۴۴۶ • ۲۶ آگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۱۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۵۸ • اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۳۳



تعدادی از زائران اربعین خود را به مرزهای خوزستان رسانده‌اند تا از این مرز عازم کربلای معلی شوند. در سال جاری حضور زائران خارجی در مرزهای چادیه و شلمچه برای عزیمت به کشور عراق با افزایش چشمگیری مواجه شده است. عکس: علی معرف، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

ضرورت اخلاقی گردش نسلی مدیران



علی اصغر سیدآبادی

که تعداد زنان و مردان جوان بیشتر باشد، هم تأمین‌کننده نیاز آینده ساختار اداری کشور است و هم انتقال تجربه را ممکن می‌کند؛ بنابراین اخلاقی‌تر است.

از منظر منافع ملی نیز این موضوع اهمیت دارد. خودتان را جای یک جوان ایرانی با زندگی معمولی بگذارید که در دانشگاه تحصیل می‌کند. نظام تبعیض‌آمیز گزینش از سویی و پیش‌کسوت‌سالاری از سوی دیگر برای او در کشور امکان رشد و ترقی را ناممکن می‌کند؛ درحالی‌که برای همین جوان و به‌ویژه زن جوان در کشورهای دیگری پیشرفت شغلی ممکن به نظر می‌رسد.

میل ۴۰درصدی به مهاجرت حتما عوامل متعددی دارد، اما این عامل مهم را نیز نباید دست‌کم گرفت. همچنان که در ساختن تصویری نامطمئن و نگران‌انگیز از آینده -که پیمایش‌ها نشان می‌دهد- میان نسل جوان نیز مؤثر است.

بیش از نیمی از جوانان نسبت به آینده تصویر بدبینانه‌ای دارند. حدود ۷۱ درصد فکر می‌کنند از نظر اقتصادی و ۵۵.۵ درصد فکر می‌کنند از نظر سیاسی اوضاع کشور در پنج سال آینده بدتر خواهد شد.

یکی از دلایل چنین نگاهی، احساس تبعیض است.

اگر ما سن‌وسال‌دارها جا را برای جوانان و زنان باز نکنیم، در واقع به این احساسات دامن زده‌ایم و راه را برای سرخوردگی و عصیان جوانان باز کرده‌ایم. سپردن مدیریت به زنان و مردان جوان و حضور تعداد اندکی از پیش‌کسوتان و سالخوردگان در مناصب مشاوره‌ای در کنار آنان، بهترین راه برای تضمین آینده ایران است.

۲- آیا دربرخ کردن فرصت تجربه مدیریتی از نسل جوان و ایجاد معضل در آینده، اخلاقی است؟

من به شرایط کشورهای دیگر کاری ندارم. از سویی برخی مناصب مثل ریاست فرهنگستان‌ها و... خودبه‌خود نیازمند شیخوخت و پیش‌کسوتی است. همچنین در مناصب انتخابی با رای مردم نیز به نظر من هیچ اشکالی نیست، هرکسی می‌تواند در هر سن‌وسالی خود را در معرض انتخاب مردم قرار بدهد و مردم انتخاب کنند.

شاید استثناهای دیگری هم باشد که من اطلاع ندارم، اما فکر می‌کنم انتقال تجربه و چرخش نسلی مدیران باید جدی گرفته شود.

فکر می‌کنم بازگرداندن بازنشستگان به دلیل اینکه حقی از نسل جدید ضایع می‌شود، اخلاقی نباشد. اگر مدیریت را یک امتیاز تعریف کنیم -که هست- عدالت و انصاف در این است که این امتیاز نیز عادلانه و منصفانه توزیع شود.

در این شرایط حضور ترکیبی سنجیده از مدیران پیش‌کسوت -که هنوز به سن بازنشستگی نرسیده‌اند- و مدیران جوان، به شرطی

صندلی‌های مدیریت محدود و شایستگان برای نشستن بر آن هم اگر زیاد نباشند، شیفتگان نشستن بسیارند.

مدتی است این موضوع برابرم به مسئله‌ای اخلاقی تبدیل شده است. می‌فهمم کسی که تجربه کاری را دارد، با هزینه از جیب مردم آزمون و خطا کرده است و اگر امتحان را خوب پس داده باشد، احتمالاً در مدیریت خود کمتر خطا خواهد داشت. اما استمرار طولانی مدت مدیریت، هم به محافظه‌کاری و فقدان نوآوری منجر می‌شود و هم جای مدیر فرضی جوان‌تری را می‌گیرد و فرصتی از آدم شایسته دیگری دریغ می‌کند.

یکی از مشکلات بزرگ در برخی حوزه‌ها در شرایط کنونی، فقدان مدیران جوان و به‌ویژه زنان شایسته است. تجربه و دانش مدیریت میان نیروهای میانه‌رو کشور به نسل بعدی منتقل نشده و چند سال دیگر این مشکل عمیق‌تر خواهد شد.

یکی از علل این مشکل، نظام تبعیض‌آمیز گزینش و سخت‌گیری درباره زنان و جوانان است که تاوادم آن یعنی تداوم تبعیض سیستماتیک و پیامدش استمرار نارضایتی و اعتراض است. از آن مهم‌تر به‌ویژه میان نیروهای میانه‌رو و اصلاح‌طلب، اما عدم اعتقاد به گردش نسلی در مدیریت است و پیش‌کسوت‌سالاری، تا جایی که حاضرند بازنشستگان را برگردانند، اما به جوانان فرصت ندهند.

در چنین وضعیتی با دو پرسش روبه‌رو هستیم:

۱- آیا کنار گذاشتن کسانی که از جیب ملت و با آزمون و خطا تجربه کرده‌اند، اخلاقی است؟

۱۳ هزار نفر

ایلنا از قطع مستمری ۱۳ هزار معلول و مددجوی بهزیستی خبر داده است. طبق این خبر، سه ماه پیش قول داده شده بود که از خردادماه این افراد به چرخه حمایتی برگردند که مشخص شده است سازمان بهزیستی علاقه‌ای به انجام این کار ندارد. این قطع مستمری، پس از دادن مسئولیت پرداخت مستمری‌ها به سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها رخ داده بود.

۹۰ درصد

نتایج یک بررسی حاکی از آن است که ۹۰ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی‌شان اشتغال دارند. مرتضی افقه، اقتصاددان در گفت‌وگو با فرارو گفته است: «متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در کشور ما این است که غیرعادی‌ها، عادی شده‌اند. اصلاً عادی نیست که انبوهی از جوان‌ها، حداقل چهار سال از عمر گران‌بهای خود را هدر می‌دهند.»

یادداشت

شطرنج سیاست



وحید مومنزاده

نیست که خود نقشه راه سیاسی جدید و تلنگری است بر «ذهن بیدار و هوشیار» حاکمیت و دولتی منتخب تا از دل آن ساحل آرامش ولو در کوتاه‌مدت بر پهنه سیاست کرانه گیرد. راهی جز این مسیر قابل ترسیم نبود که بتوان آرامش را هرچند نسبی، بر جامعه حاکم کرد. تاریخ

ایران به‌ویژه بعد از انقلاب و در شرایط فعلی چنین مسیری را می‌طلبید تا معدل حکومت و دولت در امتحان ملت، نمره قابل قبولی بگیرد.

حال تمام اوراق امتحانی در کلاس درسی که ناظر آن با تمام قوا چشم به قلم‌ها دوخته بود -خالی از هر تقلبی- به پایگانی فرصت‌ها سپرده شد، شاید روزی کمک‌یار دست‌اندرکاران بالادستی قرار بگیرد تا از دل آن تجربه‌ای تاریخی را در خاطرات خویش بنگارند. بازی سیاست در ایران عموماً بازی برنده و بازنده بوده و به همین سبب دولت‌ها در رسیدن به اهداف خویش از همیاری و همکاری ملت به دور بوده و بریکه‌تازی خویش اصرار ورزیده‌اند. با این توصیف خط‌مشی دولت جدید می‌تواند تا حدودی از کسر اعتبار پیشینیان بکاهد و توأمان در توسعه و آبادی کشور تلاش کند. بدیهی است چنانچه دولت چهاردهم بتواند این فرصت تاریخی را مغتنم شمرده و فاصله‌اش را با ملت کمتر کند، شاید بتوان گفت بعد از مدت‌های مدید «گفت‌مان اجتماعی» جایگزین «انتظار سیاسی» شده و قطار اصلاحات به مقصد نهایي خواهد رسید؛ در غیر این صورت مکرراً شاهد اعلام نوعی بی‌توجهی از جنس اعتراضاتی غیرقابل کنترل خواهیم بود.

شبکه‌خوانی

نگران دورف یا همستر؟

کاربران دسترسی پیدا کند». دلیل این بازداشت هنوز دقیقاً مشخص نشده ولی اسم او در فهرست افراد تحت تعقیب فرانسه بوده است. برخی معتقدند: نبود نظارت کافی بر محتوای تلگرام، همکاری نکردن با پلیس و دیگر نهادهای دولتی فرانسه و ارائه ابزارهای مختلف از طریق تلگرام از جمله رمزارز و شماره‌های ناشناس سبب شده که او در جرائم رخ‌داده در تلگرام مانند قاچاق مواد مخدر، جرائم قضائی و کلاهبرداری شریک جرم محسوب شود. هشنگ #FreeDurof برای آزادی دورف و دفاع از آزادی بیان در شبکه اجتماعی ایکس برطرف‌دار شد؛ حتی ایلان ماسک با این هشنگ، توییتی نوشت اما مشخص نیست به چه علت هشنگ #telegram در جست‌وجوی شبکه ایکس غیرفعال شده است. جست‌وجوی اسم دورف از نظر محبوبیت در RuNet و گوگل‌ترند به بالاترین سطح خود رسید که اتفاقی غیرمترقبه است.

حوالی شامگاه یکشنبه بود که خبر رسید مالک تلگرام پس از فرود با جت شخصی‌اش در گوشه‌ای از خاک فرانسه، دستگیر شده است. در همان موقع پیش‌بینی شد او حداقل به ۲۰ سال زندان محکوم می‌شود. حدود ۱۵ ساعت بعد خبر رسید که «پاول دورف» احتمالاً پس از چند پرسش و پاسخ آزاد خواهد شد. اما این بازداشت سبب شد تا واکنش‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی رخ دهد. جمع زیادی زیر آخرین پست امانوئل مکرورن، کامنت گذاشتند و اعتراض کردند. قیمت رمزارز TON تا ۱۲ درصد سقوط کرد.

برخی نگران وقتی شدند که در اپلیکیشن همستر گذاشته بودند و منتظر بودند تبدیل به پول شود.

برخی هم به‌شدت نگران توکن‌ها و پیام‌های خود در تلگرام شدند؛ البته تیم تلگرام به‌سرعت واکنش نشان داد و اعلام کرد: «پاول دورف تمهیداتی اندیشیده که حتی در صورت زندانی شدن، هیچ‌کس نتواند به اطلاعات مهم



پویش فکری توسعه، کتاب شرق و خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌کنند:

مراسم رونمایی و جشن امضای کتاب

روایت علی رضاقلی (والا) سه شنبه ششم شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ تا ۱۹

روایت علی رضاقلی (والا) از مسئله توسعه در ایران

سخنرانان:

رضا مجیدزاده (نویسنده روایت) / دکتر فرهاد مومنی
مهندس سید محمد بهشتی / دکتر رسول رئیس جعفری
دکتر محسن رنانی

مکان، خیابان نجات الهی، جنب خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن فردوسی

آکادمی

۴ وظیفه ذاتی دولت در سیستم سلامت



بابک زمانی

نورولوژیست

دولت در همه جوامع و در تمام کشورها، با هر وضعیت اقتصادی و هر مرام سیاسی، چهار وظیفه زیر را در سیستم سلامت بر عهده دارد؛ بدون ایفای این وظایف باید گفت آن جامعه از دولت به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد بشر، محروم مانده است:

اول: منظور از سیستم بهداشت، واکسیناسیون، بهداشت محیط سلامت کار و نظارت بر غذا و دارو است که بی‌تردید اصلی‌ترین وظیفه هر دولتی است؛ نیاز به دلیل ندارد.

دوم: در اورژانس‌های پزشکی اولاً زمان بیشترین نقش را بازی می‌کند، ثانیاً هماهنگی سیستم‌های مختلف با هم در درمان‌های اورژانس اجتناب‌ناپذیر است. مردم در وضعیت اورژانس پولی همراه ندارند و توان هماهنگی و پیش‌بینی هم جز در توان دولت‌ها نیست. در بدترین سیستم‌های درمانی دولتی نظیر ما نیز زمان از کیفیت بیمارستان مهم‌تر است. می‌توان از متمولین بعد از درمان تقاضای حق‌العلاج کرد، اما به هیچ رو نمی‌تواند اجبار باشد. تمول بیش از حساب بانکی، به روح افراد وابسته است!

سوم: بیماران ناتوان بخش روزافزون شهروندان هستند. توان جامعه پزشکی در خدمت سالمندکردن مردم از طریق کاهش مرگ‌ومیر و در نتیجه افزایش ناتوان‌هاست. حمایت از ایقان، حمایت جامعه از خود است. در جوامع مدرن، انسان بخشی از یک خانواده و یک شهر و یک کشور است. در زمان ناتوانی وجه شهروندی باید بر وجه خانوادگی ارجح باشد. مراقبت از ناتوان‌ها و سالمندان یک وظیفه اجتماعی است، نه خانوادگی. در شرایط دشوار تنگدستان در خانه‌ها و کوچ‌های تنگ و فرزندانی که دارند در همان چند متر زندگی می‌کنند، نبود مراقبت دولتی بی‌رحمی است! دولت وقتی مدرن شد و توانست ببیند و بشنود، درخواست یافت که مراقبت صحیح اجتماعی ارزان‌تر هم هست!

چهارم: مردم بسیار فقیر، آنها که روزبه‌روز در سرسره اجتماعی تعدادشان بیشتر می‌شود و طبقات متوسط هرچه بیشتر و بیشتر تبدیل به ایشان می‌شوند، حتی اگر کنار خیابان سکنا گزیده باشند باید از خدمات سلامت دولتی رایگان استفاده کنند.

آیا دولت وظیفه دارد این چهار مهم را انجام داده و به خانه برود؟ خیر، دولت متولی جریان سلامت در کشور است و در سایر بخش‌های درمان باید سیاست‌هایی را اجرا کند که جریانی سالم بین پرداخت‌کننده و ارائه‌کننده خدمت، نهادینه و دائمی شود. کاری کند که منابع مالی مختلف به سمت سلامت جریان پیدا کند و چه‌بسا در بسیاری از اقدامات دیگر هم مجبور به درجاتی از حمایت شود. مقصود آن است که در این چهار مورد مسئول اصلی دولت و مجریان کارگزاران مستقیم دولت هستند و هزینه‌ها تماماً توسط دولت پرداخت می‌شود.

اما نکته بسیار مهم و مغفول آن است که اگر در سایر قسمت‌ها قوانین اقتصاد و محاسبه هزینه و درآمد و سود سرمایه در سلامت به‌درستی محاسبه نشود و اگر دولت احیاناً درآمد کافی از سایر مبادلات سلامت، به انتحای مختلف نداشته باشد، تردید نباید کرد که در ایفای بهینه این چهار وظیفه هم ناکام خواهد ماند.



یک ساعت کار پرستاری

یک عدد بیست‌تی جوبی